

FATF بخت است!

صفحه ۶

تبعیض، خاری در چشم...

صفحه ۴



فارغ التحصیلی

ماهنامه فرهنگی، صنفی، اجتماعی و سیاسی داد
سال اول | شماره دوم | آذرماه ۹۷



سنوات
حذف تک درس
افتتاح درس

تحصیل رایگان



حذف تک درس هم پولی شد!!!

صفحه ۲

شهر من، روح بهارانت کوا؟

صفحه ۵



جمال خاشقجی < مردم یمن

صفحه ۱۱



پیگیری بحث ارزش یابی اساتید

صفحه ۳



راهکارهای اقتصادی؛ از کدام مسیر؟

صفحه ۸



حذف تک درس هم پولی شد!

مصطفی غلامی |

اقتصاد ۹۴ |

نقد و بررسی سیاست های پولی سازی آموزش توسط دانشگاه فردوسی |

دانشجویان گرامی! تا اطلاع ثانوی هیچ کدام از دورس خود را حذف نکنید! بنا بر اطلاع رسمی مندرج در شیوه نامه آموزشی سال ۹۷ دانشگاه فردوسی مشهد، از این پس دانشجویان می بایست شهریه دروسی که برای آن از حذف تک درس استفاده کنند را بپردازند. البته در این باره قول های مختلفی از مسئولین شنیده شده است که این قانون برای همه ی ورودی ها اعمال خواهد شد یا صرفا برای ورودی های ۹۷ به بعد. که حتی اگر این طور هم باشد در اصل مسئله تغییری ایجاد نمی کند که اتفاقا بدتر نیز هست چرا که دانشگاه از بی خبری ورودی های جدید استفاده کرده و در آینده باید بهای چیزی را بپردازند که هیچ اطلاعی از تصویب آن نداشته اند. چرا که هیچ اطلاع رسانی در این زمینه انجام نشده است. در ادامه به نقد و بررسی این ماده از شیوه نامه آموزشی می پردازیم و سعی داریم تا با روشن ساختن حقوقمان از ضایع شدنش جلوگیری نماییم.

« ماده ۹ - آموزش رایگان برای هر دانشجو، در هر دوره تحصیلی صرفا یکبار و در یک رشته تحصیلی امکانپذیر است.

تبصره ۱ - با موافقت استاد درس و تأیید گروه، دانشجو میتواند تا دو هفته قبل از شروع امتحانات پایان نیمسال، فقط یک درس نظری را حذف کند، به شرط آن که تعداد واحدهای باقیمانده دانشجو کمتر از حد نصاب لازم برای هر دوره نشود.

تبصره ۲ - دانشجوی مشمول آموزش رایگان، در صورت حذف غیرموجه درس یا به دست نیارودن نمره قبولی در هر درس، موظف به پرداخت هزینه درس مطابق تعرفه دانشجوی شهریه پرداز دانشگاه می باشد.

در صورت موافقت با حذف موجه درس توسط شورای آموزشی دانشگاه، دانشجوی مشمول آموزش رایگان ملزم به پرداخت شهریه متغیر درس حذف شده نیست ولی نیمسال مذکور، ضمن اینکه به عنوان یک نیمسال کامل جزو سنوات تحصیلی وی محسوب می شود و علیرغم عدم تاثیر در رتبه بندی دانشجو در نیمسال مربوط، در مشروط شدن دانشجو تاثیر دارد.»

لازم به ذکر است، این دسته از بدهکاری دانشجویان تا پایان دوره تحصیل در کارنامه مالی ایشان نمایش داده نمی شود و لذا دانشجویان می بایست جهت اطلاع از وضعیت بدهی خود، شخصا به آموزش دانشکده مراجعه نمایند.

فلسفه آموزش رایگان و برابر برای همه: سودای توسعه برای تک تک کشورهای جهان تبدیل شده است به مهم ترین انگیزه و هدف برای افزایش رفاه در جامعه خود. کشورها می کوشند تا با افزایش تولیدات داخلی خود و

بهبود شاخص های کلان اقتصادی گامی بلند در جهت ارتقا سطح زندگی بردارند، اما افزایش بهره‌ور وری و تولید به خودی خود متاثر از چند مولفه است که در میان آن ها آموزش سهم بسیار بزرگی دارد. این که در یک جامعه موقعیت برای تمامی ظرفیت های بالقوه و پنهان در افراد مهیا باشد تا که ایشان بتوانند در روندی نظام مند شکوفا شوند از ویژگی های بارز کشور های کارآموزانی زبده تحویل اجتماع داده شود. این که دانشجو اختیار داشته باشد چارت درسی خود را با توجه به محدودیت های زمانی زندگی خود مرتب کند و یا حتی این که بتواند از میان اساتید ارائه دهنده دروس به انتخاب خود روش تدریس مطلوب را گزینش کند از حقوق متصور برای دانشجویست. همین حقوق ساده به دانشجو این امکان را می دهد تا بتواند روند تحصیلی خود را کارتر مدیریت کند و در بهترین حالت های ممکن در جهت علم آموزی گام بردارد. این امکان وجود دارد که به دلایل مختلف مثل فشردگی مطالب آموزشی یا نزدیکی زمان امتحانات پایان ترم به هم، دانشجویان مجبور به حذف بعضی دروس خود شوند. تا پیش از این مصوبه دانشجویان حق داشتند مختارانه با مشورت با استاد مربوطه از تعداد واحدهای ترم خود کم کنند، اما حال دانشجویان برای حذف تک درس در طول ترم ملزم به پرداخت شهریه آن واحد می شوند.

دانشجویانی که در گذشته این امکان را داشتند تا از انعطاف پذیری چارت درسی خود برای رسیدن به نقطه بهینه تحصیلی استفاده کنند حال مجبورند به پذیرش وضع موجود. شیوه نامه ی آموزشی دانشگاه که در دیگر دانشگاه های دولتی نیز همین طور هست، امکان حذف یک درس در طول هر ترم را یک حق برای دانشجو می داند آنجا که بیان شده است: « با موافقت استاد درس و تأیید گروه، دانشجو میتواند تا دو هفته قبل از شروع امتحانات پایان نیمسال، فقط یک درس نظری را حذف کند ». اما مشکل از تبصره دوم این ماده است که حاصل نگاه سلیقه ای مسئولین آموزشی دانشگاه به قانون است. حق حذف تک درس بر خلاف ماده نهم شیوه نامه آموزشی نیست. (ماده نهم بیان می کند که دانشجو فقط یک بار می تواند از حق آموزش رایگان استفاده کند.) چون درسی که در میانه ی ترم حذف شده را نمی توان یک بار استفاده کامل از حق آموزش رایگان دانست.

حذف شده را نمی توان یک بار استفاده کامل از حق آموزش رایگان دانست. شنبیده می شود که مسئولین دلیل این مصوبه را جلوگیری از به طول انجامیدن زمان تحصیل دانشجویان عنوان کرده اند. مسئولین مربوطه پرداخت شهریه در ازای حذف دروس را راهی برای سنواتی نشدن دانشجویان می دانند و می خواهند تا با

توسل به زور و با یک نگاه از بالا به پایین به دانشجو بفهمانند که راه درست همین است و اگر دانشجو غیر این می اندیشد خطا کرده است. برای این استدلال هم جویایی هایی وجود دارد. به عنوان مثال مگر مدت زمان تحصیل دانشجویان مشخص نیست؟! بگذارید دانشجو هر طور صلاح می بیند و توانایی دارد برنامه ریزی کند. دانشجو جوان است ولی نه اینقدر کند ذهن که شما عزیزان فکر می کنید. اجازه بدهید دانشجو برنامه درسی خود را مطابق با شرایط زندگی خود بچیند.

در بند دوم شیوه نامه ی آموزشی و در تعریف آموزش رایگان آمده است: « منظور آموزش دانشجو در طول سنوات مجاز دوره تحصیلی بدون پرداخت هزینه در دانشگاه هایی است که از بودجه عمومی دولت استفاده می کنند. » در این تعریف عامل کنترل کننده و محدود کننده ی مدت زمان تحصیل را تعداد سنوات مجاز دانشجویان می داند. یک دانشجوی مهندسی برای گذراندن ۱۴۲ واحد باید هر ترم تقریبا ۱۸(۱۷/۷۵) واحد بگذراند تا در مدت زمان ۸ نیمسال تحصیلی دوره ی کارشناسی را به پایان برساند. اگر دانشجویی طبق همین میانگین واحد های خود را اخذ کند و در یک ترم بخواهد یک درس سه واحدی را حذف کند، ترم بعد باید ۲۱ واحد اخذ کند تا از برنامه و چارت درسی خود عقب نماند. با یک حساب سرانگشتی می توان فهمید که دانشجویی که بخواهد در طول هشت نیمسال واحد های خود را بگذراند نهایتا و از نظر تئوری فقط ۴ بار می تواند از حذف تک درس استفاده کند. که این هم امری ایده آل است که با توجه به پیشنهاد های دروس و تداخل های برنامه ها چنین چیزی ممکن نخواهد بود. حالا سوال اینجاست که مسئولین آموزشی دانشگاه آیا حتی چنین حقی را هم برای دانشجو در نظر نمی گیرند که در کل دوره ی ۴ ساله ی تحصیل خود بتوانند ۲ یا ۳ درس را به هر دلیلی حذف کنند؟! آیا دانشجو در همین اندازه هم حق ندارد که مثلا یک درس را که از روند آن در طول ترم راضی نبوده بخواهد در ترمی دیگر با نمره بهتر یا تلاش بیشتر یا با استادی دیگر بگذراند؟! یعنی در طول ۴ ترم این امکان وجود ندارد که برای دانشجو مشکلی پیش بیاید که بخواهد از بار درسی اش در طول ترم بکاهد؟! اگر مسئله ی مسئولین طولانی شدن مدت زمان تحصیل است که همان تعداد سنوات رایگان ابزار کنترلی خوبی است ولی اگر مسئولین در طی این سلسله اقدامات در پی پولی سازی دانشگاه و کسب درآمد برای دانشگاه هستند که آن موقع داستان شکل دیگری به خود می گیرد و البته که دانشجو به راحتی از کنار حق خود نمی گذرد. البته رویه ای که به عدالت نزدیک تر است این است که همین تعداد سنوات مجاز هم باید با توجه به رشته ی تحصیلی تعیین شود. به عنوان مثال نمی توان سنوات مجاز برای رشته ای مثل برق را با بعضی رشته های علوم انسانی یکسان در نظر گرفت که این خود ناعدالتی دیگری است.

در انتها باید گفت که این مدل جلو آمدن های دوستان فقط یک نکته را روشن می کند، این که ما در حال عقب رفتن هستیم. اگر حقی نداریم که هیچ هر طور دوست دارید برای ما جماعت دانشجو سیاست گذاری کنید اما اگر حقی داریم آن حق مال ماست و بدانید که حقمان را خواهیم گرفت.

در شماره ی اول نشریه داد مطلبی در رابطه با ارزشیابی اساتید منتشر شد. ما در آن مطلب انتقادات و بعضا اعتراضات دانشجویان در این رابطه را منعکس کردیم. در یکی از روز های گرم تیر ماه با پیگیری هایی که داشتیم و با دعوت دکتر اکبری، رئیس اداره نظارت و ارزیابی دانشگاه، دقایقی را با ایشان هم کلام شدیم و به پیگیری مطالبات دانشجویان پرداختیم. متن این مصاحبه را در زیر می خوانید

سوال: ما در شماره ی اول نشریه داد یادداشتی را منتشر کردیم که در آن انتقاد ها و اعتراضاتی به بحث ارزشیابی اساتید را منعکس کردیم. از آن جایی که گفتید این متن را مطالعه کرده اید، لطفا ابتدا کلیتی از فعالیت های مجموعه ی خود را بیان کرده و سپس نظر خود را نسبت به این مطالبات دانشجویی بیان بفرمایید

دکتر اکبری: ما در دفتر نظارت و ارزیابی و تضمین کیفیت آموزشی دانشگاه کاری که می کنیم بر اساس سیاستی است که وزارت علوم دارد و مخصوص دانشگاه فردوسی هم نیست و آن هم بهبود کیفیت آموزشی دانشگاه است. که بخش های زیادی از آن کارهای نظارتی

است تا استانداردهای آموزشی و کیفیت تدریس افزایش پیدا کند. در دانشگاه برای نظارت بر کیفیت آموزشی ۱۶ ابزار نظارتی وجود دارد که یکی از آنها همان ارزشیابی است که توسط دانشجویان صورت می گیرد. و در کنار آن ارزیابی فارغ التحصیلان، ارزیابی دانشجویان ممتاز، نظارت نظر سنجی پایان نامه ها، نظارت بر تشکیل کلاس ها، نظارت بر پاسخگویی به دانشجویان، نظارت بر سوالات امتحانی و... وجود دارد. ما به دنبال یک ارزیابی جامع و همه جانبه هستیم چون اکتفا کردن به یک نوع نظارت نتایج درستی به ما نمی دهد. ممکن است در یک کلاس تنش هایی در طول ترم به وجود آمده باشد که گروهی از دانشجویان نمره هایی غیر واقعی به استاد درس بدهند و خب چنین مسائلی نتایج ارزیابی های ما را غیر واقعی می کند. نتایج همه ی ابزارهای نظارتی باید در کنار همدیگر دیده شود

سوال: به هر حال چون مخاطب تدریس اساتید دانشجویان هستند نظرات دانشجویان اهمیت بسیار بیشتری دارد و این ارزیابی حاصل نظر یک دانشجو نیست، که میانگین نظرات دانشجویان است. اما بازهم دانشجویان کمتر دیده اند. که ترتیب اثر خاصی داده شود در این موضوع

اکبری: بله هر کدام از شیوه های ارزشیابی ما دارای یک ضریب و اهمیت جداگانه است و بیشترین ضریب را همین ارزشیابی دانشجویان دارد. ما اینجا پوشه های داریم که مربوط به تذکر و تشویق است. این تذکرات می تواند مشکلات زیادی را برای اساتید به وجود بیاورد. در انتهای هر ترم بعضی اساتید تشویق و بعضی تذکر می گیرند و در آیین نامه جدید اثر این ها خیلی بیشتر هم شده است. اگر استادی چند ترم نمرات پایینی را کسب کند پرونده اش به کمیته هیئت امنای دانشگاه ارسال می شود که در آن صورت تنبیهات زیادی در قانون در نظر گرفته شده است. خواسته ی وزارت علوم افزایش کیفیت آموزش است و همه این سیاست ها در همین راستاست

سوال: اما بعضا مواردی دیده می شود که یک استاد پایین تر از حداقل استانداردهای هیئت علمی است. (در مصاحبه

گزارشی از پیگیری بحث ارزشیابی اساتید

علی اصغر یوسفی |

مهندسی مواد ۹۴ |

(یک مصداق ذکر شد که از بیان آن معذوریم اکبری: در هر جامعه ای یک بخشی از افراد خارج از محدوده نرمال قرار می گیرند. اما در دانشگاه و در بین اساتید حتی یک مورد این چنینی هم نباید وجود داشته باشد. دفتر اداره ارزیابی و نظارت شاید در چند وقت اخیر کمتر فعالیت داشته اما الان با توجه به تغییراتی که در دفتر به وجود آمده با جدیت بیشتری نظارت ها را پی می گیریم

سوال: دو بحث وجود دارد اول اینکه برخی از ابزارهای نظارتی شما ایراداتی داشته که شاهد موارد استثنا هستیم. و دوم این بحث است که دانشجویان اگر این ارزشیابی ها تاثیری هم داشته باشد، اثرات آن را در دانشگاه کمتر دیده اند. به قول معروف وجود عدالت یک بحث است و احساس آن بحثی دیگر. در این راستا چه اقداماتی صورت گرفته؟

اکبری: شاید در گذشته چنین ترسی وجود داشته که اگر آمارها علنی شود باعث کسر شان اساتید است اما بنده چنین اعتقادی ندارم. می توان بدون ذکر نام بعضی از آمارها را منتشر کرد که هم اساتید ببینند و هم دانشجویان بدانند

سوال: بله! چرا نباید دانشجویها بدانند که مثلا به علت کسب نمرات پایین، تدریس یک درس از یک استاد گرفته شده است؟! حداقل می توان نشان داد که در یک دانشکده این تعداد درس از اساتید گرفته شده و به اساتیدی دیگر سپرده شده است

اکبری: بله، می توان آمار را به صورت دانشکده ای یا حداقل دانشگاهی منتشر کرد. شاید در گذشته در بعضی سلايق مدیریتی این طور بوده که انتشار آمار را کسر شأن اساتید می دانستند اما ما در صورت رعایت بعضی ملاحظات چنین اعتقادی نداریم. چون در این چند سال از نظر رسانه ای کارهای مناسبی صورت نگرفته شاید این احساس به دانشجو دست داده که صرفا باید فرم هایی را پر کند و تاثیری ندارد. دکتر پیش قدم معاونت جدید با رویکرد بهبود کیفیت آموزش، اهمیت بسیار زیادی برای این موضوع ارزیابی ها قائل اند. ما الان به دنبال ارزیابی جامع هستیم. در مجموع نظرات های زیادی بر اساتید وجود دارد. اینطور نیست کسی که استخدام شد با خیال راحت بخواهد سی سال هر کاری خواست در دانشگاه انجام دهد. نظارت ها وجود دارد و در بخش آموزشی ما به دنبال افزایش و بهبود این نظارت ها هستیم. یک سری مشکلات در اطلاع رسانی داریم که در پی اصلاح آنها هستیم. در این میان نشریات و رسانه های دانشجویی می توانند پلی بین مسئولین و دانشجویان باشند



خار در چشم

روایتی از رنج هایی که اهالی روستاهای ارتفاعات جنوب مشهد می برند، از رنج تبعیض...

حسین مرتضوی

| مهندسی آب ۹۴ |

جهان ما سختی های زیادی دارد. شاید مشکل ترین آنها نوشتن از مشکلات باشد. نوشتن از تبعیض ها. تبعیض یعنی توزیع ناعادلانه امکانات. یعنی برابری را جزای نابرابر باشد. یعنی چارچوب قانون یک کشور برای برادر رئیس جمهور کوچک باشد. تبعیض می تواند قانونی شده باشد. یعنی عضو هیئت علمی دانشگاه بتواند فرزندش را از یالغوز آباد سفلا به دانشگاه فردوسی بیاورد و بنشانند کنار دانشجویان سخت کوش. وقتی هم که دانشجو شد تا بیم اختصاصی استخر و سالن بدنسازی و ... داشته باشد. جایی که دانشجویان عادی را به آن راهی نیست.

وقتی کشتی گیر عنوان دار جهانی با موتور از کنار ماشین گرانیقیمت فوتبالیست بگذرد، تبعیض او را ضرفه فنی کرده. تبعیض ناامیدی می آورد، سبب می شود که اگر آشنا نداریم که برای ما شغل ایجاد کند، بیخودی محیط دانشگاه را برای فرزندان مسولین تنگ نکنیم! تبعیض تنها چیزی است که می تواند گریه ی یک مرد را درآورد.

اما بحث امروز ما درباره جایی است در همین حوالی. شاید اهالی چشمه پونه و قلعه سرهنگ و روستای زکریا بتوانند بهتر تبعیض را توضیح بدهند. و همین که شما دانشجویان ساکن مشهد تا به حال اسم این روستا ها را نشنیده اید از غربت اهالی رنج کشیده آن حکایت می کند. روستاهایی که فاصله شان از مشهد صد متر هم نمی شود. داستان یک روزه ی فردی در نزدیک ترین روستاها به مشهد که نه آب دارد نه برق نه گاز و نه تلفن و نه آسفالت و ... :

« اهالی چشمه پونه چندیست که به جز درد نداری، رنج تبعیض را هم تحمل می کنند. تبعیض رنجی بر رنج هاست، رنجی که می کشد اضافه شده. ویژه خواری، اختلاس ، رانت خواری ، تضاد طبقاتی و... همه فرزندان تبعیض هستند. تبعیض خار در چشم است. تبعیض استخوان در گلوست.

روزی است که تانکر هم شرمنده ی او شده، چشمه هنوز آنها را از یاد نبرده. باید سهمیه ی نفت امسال را بگیرد. زمستان سختی در راه است و بدون گاز سخت تر هم شده. بدون تلفن اما می شود زنده ماند. لوله های آب از جلوی روستا رد می شود و به برج های توس گستر می رسد؛ اما در اینجا نم آبی لبی را تر

نمی کند.

آسفات بلوار نماز از جلوی روستا می گذرد و حتی تعدادی از خانه های روستا را سر راه تخریب کرده اما خیابانهای این روستا حتی اجازه ی تسطیح ندارند. چرا در برج های مجلل آبادگران و توس گستر می افتد. بغض را فرو می خورد. می رود به سمت تانکر آب تا صورتی تر کند. شیر را می چرخاند اما الان چند

بچشد؟! چرا آنطرف جاده پرژکتور ها اطراف برج ها را هم تزیین کنند اما اینطرف ...

چرا در روستا ساخت دستشویی بدون مجوز ، سبب تخریب آن می شود اما کوه خواری هایی که در آبادگران و توس گستر انجام شده و حتی رهبر انقلاب سال ۹۳ در خصوص آنها فرمودند که «جرم بدانید اینها را ...» تخریب نمی شود که هیچ؛ امکانات شهری هم به آن داده می شود؟

اهالی چشمه پونه چندیست که به جز درد نداری، رنج تبعیض را هم تحمل می کنند. تبعیض رنجی بر رنج هاست، رنجی که می کشیم هست؛ رنجی که می کشد اضافه شده. پول کنتور برق را داده اند اما باید از سیمکشی غیر قانونی استفاده کنند و هر از چند گاهی به دلیل نوسانات برق لوازم برقی می سوزد. ویژه خواری، اختلاس ، رانت خواری ، تضاد طبقاتی و... همه فرزندان تبعیض هستند. تبعیض خار در چشم است. تبعیض استخوان در گلوست.

شهر من روح بهارانت کو!؟

دکتر سعید شعراف تبریزی

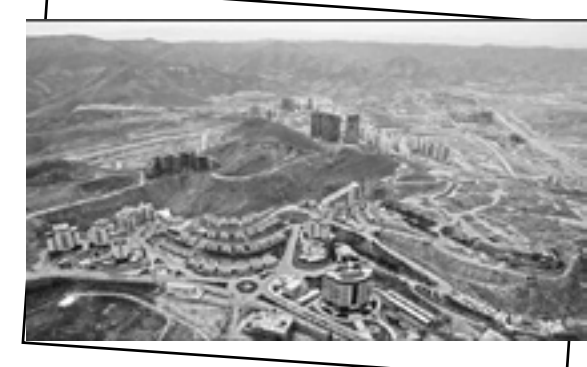
| پژوهشگر مدیریت شهری |

تمایلات شخصی و قبیله‌ای خود کرده‌اند و ده‌ها هکتار از اراضی خوش آب و هوای دامنه‌ای آن را کاملا قانونی! تملک کرده‌اند، توصیه کرد که «شهروندان گرامی: باید در حفظ محیط زیست و هوای پاک کوشا باشید!»

به نظر شما، آن جوان روستایی که پس از سال‌ها زندگی در موطن آبا و اجدادش در روستای زکریا و قلعه سرهنگ و چشمه پونه و ... برای به‌دست آوردن بدیهی‌ترین امکانات یک زندگی مثل آب سالم و بهداشت، از این اداره به آن اداره می‌رود، در مورد قوانینی که در تمام سطوح حاکمیتی با آن مواجه می‌شود، چه نظری خواهد داشت؟

وقتی مقابل چشم همه مردم، ده‌ها نهاد دولتی می‌توانند برای ساخت و ساز برج‌های مسکونی بلندمرتبه در

این مثال، مصداق دقیق تزاخم منافی است که در اقتصاد و سیاست هم از آن نام برده می‌شود. وقتی این طرف میز با آن طرف میز یکی شد، هر چه شما از ضررهای زیست محیطی ساخت و ساز در ارتفاعات به حضرات گوشزد کنید و هرچه جملات رهبری در نهی ساختمان‌سازی در ارتفاعات جنوب و لزوم واگذاری این مناطق برای تفریحات عمومی مردم را فریاد بزنید، عملا کار به جایی نخواهد رسید؛ چرا که تزاخم منافع وجود دارد، تزاخم منافع‌های فردی و گروهی.



به بهانه فسادهای ظاهرا قانونی ارتفاعات جنوب مشهد توسط دولتی ها

ارتفاعات جنوب مشهد، مجوز قانونی گردآوری کنند و رسماً حق زندگی را برای بیش از چند میلیون از مردم این شهر، محدود کنند چرا نباید فلان فرد سرمایه‌دار خصوصی، به خود اجازه دهد که به‌وسیله ارتباطات کاملا قانونی! در یک منطقه کم‌تراکم، یک برج لوکس چندده طبقه بسازد و حقوق مردم را در این منطقه نادیده بینگارد؟ شاید بد نباشد که برای اثبات نقش بنیادی انحراف خواص (کسانی که صاحبان منابع و منافع در حاکمیت‌های دولتی و محلی هستند) در تعمیق انحرافات عموم مردم کمی به اطراف خودمان هم نگاه کنیم. تاریخ تکرار می‌شود.

فردی معاون فنی و عمران استانداری بوده است، بالاترین مقام فنی و عمرانی در سطح استان، که نماینده استاندار در جلسات کمیسیون ماده پنج راه و شهرسازی است، کمیسیونی که اکثر تصمیمات کلان و تغییر کاربری‌های اساسی و نظارت بر طرح‌های جامع و تفصیلی در آن صورت می‌پذیرد. یک کمیسیون بسیار حساس و کلیدی در فضای مدیریت کالبدی فضاهای شهر مشهد و استان خراسان. همین فرد با حفظ سمت و به صورت هم‌زمان، نایب رئیس هیات مدیره شرکتی است که آماده‌سازی بخش وسیعی از اراضی زکریا را در ارتفاعات جنوب مشهد به عهده دارد. تنها منطقه وسیع باقی مانده کوهستانی برای مردم مشهد که به دلیل چشم انداز خوبی که دارد و ویژگی‌های دامنه کوه بودن و آب و هوای خوب، مورد طمع ده‌ها شرکت تعاونی دولتی و شبه دولتی قرار گرفته است. شرکت آقای معاون نیز آماده سازی این اراضی را برای تحویل به دولتی‌ها به عهده دارد و همه چیز هم کاملا قانونی و بر مبنای مصوبات اتفاق افتاده است! قطعاً این موقعیت فساد زاست، اینجا اگر شما فرزند پیغمبر را هم بگذارید امکان آلوده شدن زیاد است چه برسد به ما آدم های معمولی.

این مثال، مصداق دقیق تزاخم منافی است که در اقتصاد و سیاست هم از آن نام برده می‌شود. وقتی این طرف میز با آن طرف میز یکی شد، هر چه شما از ضررهای زیست محیطی ساخت و ساز در ارتفاعات به حضرات گوشزد کنید و هرچه جملات رهبری در نهی ساختمان‌سازی در ارتفاعات جنوب و لزوم واگذاری این مناطق برای تفریحات عمومی مردم را فریاد بزنید، عملا کار به جایی نخواهد رسید؛ چرا که تزاخم منافع وجود دارد، تزاخم منافع‌های فردی و گروهی.



FATF لخت است!

نگاهی به ریشه های چالش های موجود با قرارداد های بین المللی نظیر FATF و برجام و

بنا بود شیک و مجلسی راجع به FATF بنویسم اما هر چه تلاش کردم نشد و نخواستم و راضی نشدم به نوشتن پیرامون موضوعی که ساعت ها بحث و مناظره تصویری و صدها یادداشت و مقاله و گزارش پیرامون آن تهیه شده است. معتقدم در رویارویی با چالش های این چنینی نظیر برجام و FATF گاهی باید چشم ها و گوش ها را در برابر جنجال و هیاهوی رسانه ای بست و ورودی ذهن را در برابر آنچه حکم هلهله دارد مسدود کرد! چرا که شلوغی و همه‌مه و مغلظه عموماً برای جریان باطل راهگشا بوده و سر

”””

و البته من متهم بودم به این که نباید بگوئی پادشاه لخت است! اشکال و چالش اساسی من این نکته بود که ما در یک «دور باطل» گرفتاریم. پذیرفته ایم که علم آکادمیک فعلی مبناست و باید علمی عمل کرد.

”””

موضوع FATF که ماه ها نقل محافل بوده و هست را نیز می توان به عنوان بخشی از پازلی بزرگتر حلای نمود. اگر کسی وضعیت کلی انقلاب اسلامی نسبت به تمدن غربی را بشناسد، حتی با مطالعه سطحی از تاریخ و جریانات ۴۰ساله گذشته میان انقلاب اسلامی و غرب وحشی می تواند در تمامی این چالش ها از جمله FATF قاعده کلی بازی را کشف کند

”””

در این حوزه. و طبق معمول ختم می شد به این جمله که «برخی توهم توطئه دارند». حقیقت اینکه بسیاری از فضاسازی های رسانه ای و حتی علمی (!) ناشی از این نوع نگاه است. برترند و اگر می خواهی نفس بکشی و به حیات خود ادامه دهی باید راه حیات و راه

FATF



در هر جنگی دو عنصر اصلی قدرت آفرین شامل منابع (تجهیزات، نیروی انسانی و...) و اطلاعات است. منابع، قدرت ضربه زدن را برای طرف درگیر فراهم می‌کند و کارکرد اطلاعات هم افزایش دقت این ضربات است. در جنگ

اقتصادی جاری بین ایران و غرب نیز چنین گزاره‌ای جاری است. غرب از لحاظ منابع با توجه به در اختیار داشتن ابزارهایی مانند چرخه دلار، سوئیفت و نهادهایی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، دست برتر را نسبت به کشور ما دارد و FATF از نگاه غرب نقش فراهم آوردن دومین عنصر موفقیت یعنی زیرساخت اطلاعاتی بسیار دقیقی جهت اعمال تحریم‌های جدید آمریکا (بویژه قانون کاتسا) را دارد.

به طور خاص در برنامه ای اقدام و تعهدات ایران به فتنه در زمینه تبادل اطلاعات بین المللی الزامات ویژه ای ذکر شده است که مخاطرات قابل توجهی را برای کشور داشته است.

به عنوان مثال در بخش هفتم این الزامات ذیل محور همکاری های بین المللی ایران ملزم به «ایجاد دروازه های تبادل اطلاعات غیر قضایی با مراجع غیر قضایی به منظور اشتراک اطلاعات بدون هیچ محدودیتی»، «تضمین همکاری های بین المللی در زمینه تبادل و اشتراک اطلاعات مرتبط با ذینفع نهایی» و «تضمین ایجاد معاضدت قضایی گسترده در زمینه پولشویی و تامین مالی تروریسم» شده است.

به‌عبارت‌دیگر بر اساس فتنه‌تها ساختار انتقالات ارزی و بین‌الدولی کشور که حتی هرگونه تراکنش ریالی در داخل کشور نیز در دسترس کشورهای متخاصم در جنگ اقتصادی قرار می‌گیرد.

حداقل آسیب چنین امری شناسایی شبکه‌های تأمین‌کننده ایرانی در کشورهای مختلف که وظیفه دور زدن تحریم‌ها را به عهده دارند و حذف این شبکه‌ها است که می‌تواند تبعات مهمی مانند ایجاد بحران در حوزه‌هایی مانند دارو و کالاهای اساسی ایجاد کند. ریچارد نفیو یکی از طراحان آمریکایی

دور باطل FATF

مافیای حاکم بر FATF
متهم ۷۴ درصد پولشویی دنیا

چگونه FATF به هوشمند شدن تحریم‌ها می‌انجامد؟

| دکتر میثم ظهوریان |

تحریم‌ها علیه ایران در کتاب هنر تحریم با اشاره به تشدید تحریم‌های ایران در اوایل دهه ۹۰ می‌گوید که آمریکا بعد از سال ۹۱ دیگر موفق به کاهش بیشتر فروش نفت ایران و افزایش فشار تحریم‌ها نشده است و دلیل آن را نیز اطلاعات ناقص آمریکا از ساختارهای اقتصادی و شبکه‌های فروش نفت ایران می‌داند.

این در حالی است که ساختارهای گزارش دهی الزام شده در فتن مانند FIU (واحد اطلاعات مالی)، CDD (ارزیابی صلاحیت مشتری)، KYC (شناسایی مشتری نهایی) و افزونه SS (پایش تحریمی) که ایران موظف بر نصب آن بر روی نرم افزار تبادلات مالی شده است، در عمل این امکان را به آمریکا می‌دهد که ساختار تحریم‌های خود را از تحریم موضوعی به هوشمند تبدیل کند.

موافقان فتن اغلب به خروج ایران از فهرست سیاه فتن به عنوان مهم‌ترین دستاوردی که پس از اجرایی شدن ۴۱ تعهد ایران در برنامه اقدام حاصل خواهد شد، اشاره می‌کنند؛ ولی جالب است که برخلاف چنین ادعایی در هیچ کجای بیانیه بوسان و سایر بیانیه‌های فتن به چنین امری اشاره نشده است و تنها چیزی که در مورد سرنوشت ایران پس از اجرای تعهدات کامل تعهدات آمده است این است که «اگر ایران تا پایان زمان تعیین‌شده به تمام تعهداتش عمل کند، FATF گام‌های بعدی را در نظر می‌گیرد (Consider the next step)» و هیچ‌گونه اشاره‌ای به محتوای این گام‌ها نشده است. به‌عبارت‌دیگر حتی در صورتی که تمامی ۴۱ تعهد ذکر شده توسط ایران انجام شده و مورد تأیید نیز قرار گیرد، به‌احتمال قوی فتن مطالبات جدیدی را از ایران مطرح خواهد کرد و دوباره همین سیکلی تکرار خواهد شد که کشور هم اکنون در آن قرار دارد.

در نهایت باید گفت اگر در برجام حداقل وعده‌هایی به ایران داده شده بود، در فتن حتی همان وعده‌ها هم نیز وجود ندارد و صرفاً صحبت از گام‌های بعدی مبهم شده است. اگر دستاوردهای برجام در ازای هزینه‌های سنگین به تعبیر رئیس بانک مرکزی تقریباً هیچ بود، دستاوردهای فتن تحقیقاً هیچ خواهد بود.

۲۳ تیر ۱۳۹۷ نشست مبارزه با پول‌شویی در ایران با سخنرانی دکتر سیدجواد کاظمی‌تبار (کارشناس داده‌کاوی برای کشف تقلب در تراکنش‌های بانکی آمریکا) در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری برگزار گردید. کاظمی‌تبار در این نشست گفت:

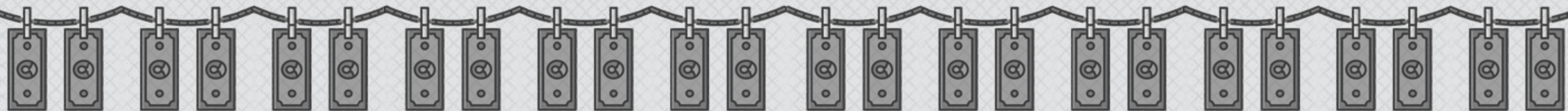
«بر اساس آمار موجود، حدود ۵۰۰ میلیارد تا ۱.۸ تریلیون دلار (بین ۲ تا ۵ درصد درآمد ناخالص ملی دنیا) حجم کل پول‌های کثیف در دنیا می‌باشد.

۴۷ درصد پول‌های کثیف در آمریکا، ۳۰ درصد در اروپا و بقیه در سایر نقاط جهان جریان دارد.

۹۹ درصد پول کثیف موفق به عبور از سیستم‌های نظارتی آمریکا و اروپا شده و حدود ۸۰ درصد از این پول‌ها مجدداً برای سرمایه‌گذاری و ساماندهی جنایات دیگر به کار می‌روند.»

یک بار دیگر آمار مذکور را بخوانید. باید از دولتمردانی مانند ظریف و نمایندگان‌ی مثل صادقی و مطهری پرسید: آیا ما باید به آمریکا و اروپایی در FATF و CFTV درباره‌ی جرای مالی سازمان یافته و پولشویی پاسخگو باشیم که ۷۴ درصد پولشویی‌ها در خاک آنها انجام می‌شود و ۹۹ درصد این جرائم یا کشف یا مبارزه و برخورد نمی‌شود؟ آنها باید به عنوان متهم مواخذه شوند اما در جایگاه قاضی می‌نشینند. شما اگر واقعا اهل مبارزه با این جرائم هستید، چرا به قوانین سفت و سخت داخلی عمل نکرده اید و حالا ادعا می‌کنید پولشویی‌های گسترده در حد ۱۴ هزار یا ۳۰ هزار میلیارد تومان وجود دارد؟ آن هم از تریبون روزنامه‌هایی مانند اعتماد و آرمان و ... که شریک و رفیق فابریک امثال شهرام جزایری و مهدی هاشمی (متهمان بزرگ پولشویی) محسوب می‌شوند! با دستمال کثیف قطعاً نمی‌شود شیشه را پاک کرد.

| محمد ایمانی |



راه حل مسائل اقتصادی، از کدام مسیر؟

| دکتر وحید ارشدی |

| عضو هیئت علمی پژوهشکده ی

| مطالعات اسلامی در علوم انسانی |

با وجود ظرفیت‌های کم‌نظیر ایران نسبت به سایر کشورها، بزرگترین مشکل امروز ایران که مسئولین عالی نظام، اقشار مختلف مردم و تولیدکنندگان را با نگرانی و چالش جدی مواجه کرده، معضلات اقتصادی همچون کاهش قدرت خرید مردم، افزایش نرخ بیکاری و ضعف معیشت طبقه متوسط و ضعیف جامعه است. این معضلات حاصل انباشت مسائل متعدد داخلی و خارجی در طی سالیان گذشته و در اثر سیاست‌های دولت‌ها در طول سال‌هایی که پشت سر گذاشتیم است.

ناگفته نماند نگارنده معتقد است که با وجود همه‌ی مشکلات اقتصادی و مدیریت ناکارآمد منابع، پیشرفت‌های چشمگیر و غیر قابل انکاری در ۴ دهه‌ی گذشته در اقتصاد ایران و معیشت مردم در مناطق مختلف کشور رخ داده است که حاصل از اراده ملی و همت مسئولین در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی بوده است. البته باید اذعان کرد که منابع مالی عمده‌ی این پیشرفت‌ها، عمدتا از درآمدهای نفتی بوده و اگر نبود این درآمدها و پیشرفت‌ها؛ ساختارهای مخرب اقتصادی و بی‌ثباتی‌ها مقاومت اقتصادی مردم در برابر مشکلات را امکان‌پذیر نمی‌کرد. عواملی همچون تحولات انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و تحریم‌ها نیز بر مقاوم شدن مردم در برابر مشکلات تأثیرگذارشته است.

روند بی‌ثبات شاخص‌ها بیانگر این است که به دلیل برون‌زا بودن درآمدهای نفتی و تأثیر آن از تعاملات و تبادلات سیاسی و اقتصادی در سطح جهان، پیشرفت اقتصادی و نرخ رشد اقتصادی در ایران پایدار نبوده و شاخص‌های اقتصادی کشور و نهادهای اقتصادی تحت تأثیر تغییرات قیمت‌های نفت، دچار نوسانات شدید بوده‌اند. علی‌القاعده اگر مشکلات ساختاری حاصل از اقتصاد تک‌محصولی، فسادهای اقتصادی و مدیریت‌های ناکارآمد در بخش‌های کلیدی نبود، اقتصاد ایران قابلیت داشت در یکی از قله و ارتفاعات بلند اقتصاد جهانی باشد. صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند این مهم نیازمند اصلاحات ساختاری در منابع تأمین معیشت مردم و حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، قضایی، فرهنگی و روابط بین‌المللی هست. نامطلوب بودن شاخص‌های اقتصادی ایران نسبت به ظرفیت‌های بالقوه آن دلایل متعدد دیگری نیز دارد. از جمله این دلایل:

*** نداشتن یک الگوی کارآمد اقتصادی و نقشه‌ی راه منسجم و بومی قابل اتکا؛**

***ضعف مدیریت متخصص، علمی و شایسته در بخش‌های اقتصادی؛**

*** الگوی نادرست مصرف و تولید؛**

*** مطلوب نبودن شاخص‌های فضای کسب و کار؛**

*** نظام ناکارآمد مالیاتی و یارانه‌ای؛**

*** ضعف توزیع متوازن امکانات؛**

***نظام بانکی ناکارآمد؛**

***ضعف پیوند منسجم و پایدار نظام آموزشی و پژوهشی با نیازهای اقتصادی**

*** پیوند قدرت و ثروت در لایه‌های مختلف اقتصادی**

***ضعف استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی در جهت منافع اقتصادی ملی**

***تضعیف شدن فرهنگ کار و تولید و تقویت روحیه**

مصرف‌گرایی و اشرافیگری

***بوروکراسی اداری**

***مخاطره‌پذیر نبودن فعالان اقتصادی به علت بی‌ثباتی**

سیاست‌های اقتصادی، سیاسی

***کوته‌مدت نگر بودن فعالان اقتصادی و مردم**

***ضعف جسارت برای اصلاحات ساختارهای سیاسی، اقتصادی**

***غلبه کردن مرتفین بر ساختارهای اقتصادی**

***ضعیف بودن سواد اقتصادی و سواد مالی**

***مقاوم نبودن پایدار اقتصاد در مقابله با تکانه‌های مالی و ارزی**

***و...**

برآیند این مشکلات، معیشت اقشار متوسط و مستضعف جامعه را مورد هدف قرار داده است و به جای نزدیک شدن طبقه ضعیف به طبقه متوسط، شاهد نزدیک شدن طبقه متوسط به طبقه ضعیف و فاصله‌معنادار با طبقه ثروتمند جامعه هستیم.

متأسفانه توصیه‌ی برخی از غرب‌گرایان به سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران مبنی بر اینکه مشکل اقتصاد ایران، روی پای خود ایستادن و عدم ارتباط با آمریکا یا اروپاست. به سیاست‌مداران اقتصادی و قانون‌گذاران آدرس غلط می‌دهد و این نگرش باعث کند شدن روند اصلاحات واقعی و ساختاری اقتصادی جامعه می‌شود. این در حالی است که ساختارهای نامتناسب با پیشرفت اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد توسط مدیریت غیر شایسته، باعث نمک‌پاشیدن دولت‌های استعماری همچون آمریکا و اروپا بر روی زخم‌های اقتصادی ایران است.

توصیف دقیق از اقتصاد ایران، موجب ارائه‌ی نسخه‌ی دقیق برای اصلاحات اقتصادی، بهبود و پیشرفت آن دارد. به نظر می‌رسد تا زمانی که منبع تأمین معیشت اقتصاد ایران، از خام‌فروشی بوده و کشور توانسته به راحتی نفت خود را بفروشد، خود را نیازمند مدیران خلاق، مبتکر و مجرب نمی‌دیده است و به دلیل بحران مدیریت منابع، مسیر پیش روی کارآفرینان مخاطره‌پذیر و فعالان اقتصادی در بخش واقعی اقتصاد (صنعت، کشاورزی و خدمات) پر از فراز و نشیب و صعوبت در مسیر بوده است. این مشکلات ساختاری باعث شده است که مردم احساس کنند مدیران اشرافی‌گر نمی‌توانند از منابع آن‌ها به خوبی صیانت کرده و شاخص‌های اقتصادی نیز بیانگر اینست که ارزش‌داری‌های مردم هر روز کمتر از روز قبل خود شده است و با احساس فاصله‌ی طبقاتی این روند باعث بی‌اعتمادی مردم به مسئولین شده است.

موتور محرکه برای اصلاح ساختارها، مدیریت جهادی با اصلاح منبع تأمین معیشت از طریق مکانیزم رصد‌کننده گردش منابع براساس یک الگوی کارآمد اقتصادی بومی است. حاکم شدن مجدد تحریم‌های نفتی را از تهدید به فرصت می‌توان تبدیل کرد. تحریم قابلیت افزایش نقاط سفید اقتصاد ایران را دارد به شرطی که به جای نگران کردن مردم از تحریم‌ها به خاطر ناکارآمدی مدیریت دولت‌ها و اعمال کردن خودتحریمی‌ها؛ دولت و ملت بتوانند همه سرمایه‌های داخلی و خارجی را از طریق اصلاح روابط با مردم و اصلاح روابط با کشورهای خارجی غیر استعمارگر و فعال کردن دیپلماسی اقتصادی با آنها به کار اندازد و با آینده‌نگری، کشور را بسازند. اعمال سیاست‌های اقتصاد مقاومتی که بر اساس ابتکار رهبر معظم انقلاب و تجارب داخلی و جهانی مطرح شده است راه را برای احیاکنندگان سرمایه‌ها و رسیدن به اقتصاد درون‌زا و برون‌گرا باز خواهد کرد. باید بدانیم که در بدترین شرایط نظامی به یاری خداوند بن‌بست‌ها شکسته شد و در حال حاضر نیز با مدیریت جهادی و جوانگرا و خلاق و مبتکر بن‌بست‌ها شکسته خواهد شد.

آنگاه که تحریم‌ها

بی‌تاثیر می‌شود...

بررسی چند شیوه مقابله با

تحریم‌های اقتصادی

| حسین مرتضوی |

| مهندسی آب ۹۴ |

تحریم واژه‌ای آشنا برای ما ایرانیان و به معنای مجموعه‌ای از اقدامات است که کشور‌های به‌ظاهر قدرتمند علیه ضعیف‌ترها انجام می‌دهند تا آن‌ها را به انجام یا عدم انجام کاری مجبور کنند. اولین تحریم‌های پس از انقلاب، در خرداد ۱۳۵۹ و بعد تسخیر لانه جاسوسی اعمال شد. بعد‌ها تحریم‌های دیگری نظیر قطعنامه‌های تحریم فقط برای ایران نیست. کشور‌های زیادی نظیر بلاروس ،کوبا، صربستان، عراق، سودان و ... با آن مواجه هستند. برای رفع تحریم سه دیدگاه وجود دارد

۱- مذاکره برای برداشتن تحریم ۲- دور زدن تحریم ۳- بی‌اثر کردن تحریم

دیدگاه اول دور زدن تحریم‌ها است. این کار به چند طریق می‌تواند صورت بگیرد. مبادلات تجاری از مبادی غیر رسمی و جا به جا کردن پول از مسیر‌هایی غیر از سیستم بانکی جهانی است. یکی دیگر از روش‌های دور زدن تحریم‌ها واگذاری امور به افراد حقیقی برای انجام معاملات و مبادلات تجاری است. برای مثال شرکت نفت که تحریم است، کار فروش نفت را به افرادی واگذار می‌کند که توانایی فروش نفت به صورت غیر رسمی را در کشور‌های دیگر دارند

دراین روش مشخص نیست که چرا این همه سود باید به یک شخص خاص برسد و مسئله‌ی رانت به وجود می‌آید. اشکال دیگر اینکه پس از چندی خود این افراد هم به لیست تحریم‌ها اضافه می‌شوند. اگر پول فروش نفت یک کشور توسط افراد خاصی دریافت شود، احتمال فساد در آن افراد زیاد می‌شود

دیدگاه دوم هم مذاکره و توافق است. یعنی با روش‌های دیپلماسی از کشور‌های تحریم‌کننده بخواهیم که تحریم‌ها را بردارند. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر قرار بود تحریم‌ها را با صحبت بردارند پس چرا گذاشتند؟ دوستان پس از چندی سکوت می‌فرمایند چون آن‌ها قدرت دارند و ما نداریم؛ ما امتیاز‌هایی به آنها می‌دهیم تا به ازای آن، تحریم‌ها را بردارند. یعنی ما

از حقوق کشور کوتاه بیاییم و بخشی از منابع خود را در اختیار دشمن قرار دهیم. این کار هم مشکل تحریم را حل نخواهد کرد چون ابزار قدرت دشمن (تحریم) از بین نرفته است و فقط اعمال فشار از طریق آن را عقب انداخته‌اید.

مدتی بعد دشمن چیز دیگری از شما می‌خواهد باز شما

” ” ” ”
این کار هم مشکل تحریم را حل نخواهد کرد چون ابزار قدرت دشمن (تحریم) از بین نرفته است و فقط اعمال فشار از طریق آن را عقب انداخته‌اید. مدتی بعد دشمن چیز دیگری از شما می‌خواهد باز شما مجبور می‌شوید امتیاز دیگری به او بدهید که در این صورت نه خواسته‌های نامحدود او تمام شده و نه ابزار تهدیدش یعنی تحریم از بین رفته است.

مجبور می‌شوید امتیاز دیگری به او بدهید که در این صورت نه خواسته‌های نامحدود او تمام شده و نه ابزار تهدیدش یعنی تحریم از بین رفته است. فقط اتفاقی که افتاده این است که شما هر روز به سبب از دست دادن منابع ضعیف‌تر خواهید شد

دیدگاه سوم بی‌اثر کردن تحریم‌ها است. اگر تحریم‌ها

تاثیر زیادی بر ما نگذارد خود به خود منحل خواهد شد. چون از هر تحریمی که علیه ما اعمال می‌شود، شرکت‌های زیادی که صادرکننده و واردکننده از کشور ما هستند متضرر می‌شوند. این شرکت‌ها در صورت وضع تحریم‌ها بازاری هشتاد میلیونی را از دست داده‌اند و این خود نارضایتی‌های زیادی را علیه آمریکا به دنبال دارد و می‌تواند آمریکا را مجبور به کنار گذاشتن تحریم‌ها در آن حوزه یا استتنا کردن بعضی از شرکت‌ها از تحریم‌ها کند.

.چیزی که پیش از این هم شاهد آن بوده‌ایم

به‌طور کلی می‌توان دیدگاه سوم را در کم کردن وابستگی‌ها خلاصه کرد. مثلا در تحریم محصولات کشاورزی، خودکفایی راه بی‌اثر کردن تحریم‌ها است. برای مقابله با تحریم‌های بانکی، پیمان‌های پولی دو یا چند جانبه و برای فروش نفت، ارائه آن در بورس و فروش ریالی و یا تبدیل آن به مشتقات سبکتر از طریق پالایشگاه‌ها و محصولات پتروشیمی پیشنهاد می‌شود. به توضیح هر یک از پیشنهادات ارائه شده باید در مقاله دیگری پرداخته شود البته باید یادآور شد که بهترین شیوه‌ی مبارزه با تحریم، شیوه‌ای است که بتواند از همه‌ی روش‌های فوق استفاده کند. یعنی دور زدن تحریم‌ها در جایی می‌تواند شیوه‌ای موثر باشد و همچنین ابزار دیپلماسی می‌تواند در احقاق حقوق ملت مفید باشد ولی نمی‌توان به هیچ‌کدام از این روش‌ها به تنهایی اتکا کرد و در مجموع ساختارهای اقتصادی کشور باید به سمتی برود که در مقابل تهدیدهای خارجی مقاوم باشد تا تاثیر تحریم‌ها بر اقتصاد کشور کم و کم‌تر شود

در نهایت باید پذیرفت که تحریم‌ابزاری است در دست کشور‌های سلطه‌گر تا اگر کشوری خلاف نظم مدنظر آن‌ها در دنیا رفتاری کرد از آن استفاده کنند تا کشور مورد نظر را تحت فشار قرار دهند. حالا انتخاب با مردم آن کشور است که می‌خواهند رفتار هایشان را طبق نظرات این کشور‌های سلطه‌گر تغییر دهند یا عزت ملی خودشان را ترجیح می‌دهند و به جای پذیرش نظرات این کشور‌ها سعی می‌کنند با ابزار و اهرم فشار او مقابله کنند



جمال خاشقجی < مردم یمن

هیاهوی رسانه ای برای قتل منتقد سعودی و سکوت در برابر جنایات آل سعود در یمن

یمن، کشوری در جنوب غربی آسیا و جنوب شبه جزیره عربستان با جمعیت ۲۸ میلیون. کشوری نام آشنا برای ایرانیان به خصوص در ۳ سال اخیر ولی گویی نا آشنا برای سیاست مداران جهان که گوش های خود را برای نشنیدن صدای آن گرفته اند.

از یمن گفتن کمی سخت است با وجود تمام جنایات عربستان گفتن از یمن دل آدم را می لرزاند. از کودک کشی اش، از مظلوم کشی اش، از زیر پا گذاشتن قوانین بین المللی توسط عربستان، از نابود کردن بیمارستان هایش، از هدف قرار دادن بچه های اتوبوس مدرسه، از زیر آتش گرفتن شهر الحدیده، از نابودی منابع غذایی یمن، از گرسنگی کودکان آن، از احتمال مرگ ۱۲-۱۳ میلیون نفر از مردمان یمن به خاطر قحطی، از رقم خوردن یکی از بدترین فاجعه های انسانی در یمن، از رشوه های عربستان

برای چشم پوشی سازمان ملل، از تهدید ها علنی عربستان برای حذف کردن نامش از لیست کودک کشان، از ناتوانی کودکان یمن در صحبت کردن و راه رفتن به دلیل انفجار های مهیب در مناطق مختلف، از افزایش ۳۴۲ درصدی کشته ها در دو ماه جولای و اکتبر به دلیل حملات هوایی

عربستان، و... گویی کودک کشی و مظلوم کشی برای عربستان تبدیل به یک شغل شده است بدون هیچ ترسی می کشند و بعد هم تهدید و صدای مردم یمن را خفه می کنند.

به کدامین گناه ماهیگیری را که برای سیر کردن شکم

خانواده اش دل به دریا می زند را راحت می کشند؟! آمار ها میگویند: دست کم ۱۴۶ ماهیگیر را شهید کرده اند.

خدا یا! آیا کشتن به همین راحتی است؟! استراتژی کثیفی را که عربستان در پیش دارد را چگونه برایتان بگویم!

از حملات هوایی و جنگ غذا می گویم استراتژی ای که در آن هدف منابع غذایی، مناطق کشاورزی، دامداری و ماهیگیری است. مراکز خرید و انتقال و همه ی مکان های دیگر که به تغذیه و توزیع مواد غذایی مربوط است. آخر آن کودکان یمن چه گناهی دارند که آل سعود غذا را برای آنان حرام کرده است؟! آری یمن کشوری در درد...

از زیادی جنایات عربستان نمی دانم کدام را برایتان بگویم. بگذارید از تهدید هایش بگویم جالب است بدانید سازمان ملل در آخرین روز های نشست «بان کی مون» بر مصدر دبیر کلی گزارشی در مورد نقش عربستان در کشتار کودکان یمن منتشر کرد ولی با تهدید علنی عربستان به قطع جریان دلار های نفتی به سازمان ملل این گزارش ویرایش شد و نام عربستان از آن حذف شد.

واقعا انگار پنبه در گوش های خود کرده است سازمان ملل. عربستان از ۶ فروردین ۱۳۹۴ به طور بین المللی حمله ی خود را به عنوان انتلافی از چند کشور عربی و با چراغ سبز آمریکا به یمن آغاز کرد.

جالب است هر کجای دنیا که جنگی رخ می دهد آمریکا در

| سجاد یاسبان |

| اقتصاد کشاورزی ۹۶ |

آن حضور دارد. حقوق بشر و صلح جهانی شده است پرده ای برای جنایات این کشور. چراغ سبز آمریکا با پشتوانه اطلاعاتی ارائه شده، رغبت ایالات متحده به تضعیف عربستان و احتمال حضور مستقیم آمریکا در مناقشه یمن در صورت شکست عربستان، سناریوهای مختلف از حضور ایالات متحده در این درگیری است.

جنایات عربستان که با رشوه و تهدید نادیده گرفته شده اند کم نیست. اما امروزه یک جنایت است که دارد عربستان را در گیر می کند. جمال خاشقجی روزنامه نگار و تحلیل گر عربستانی.

تروزی از پیش تعیین شده برای بستن دهان منتقدی که عربستان را زیر بار انتقاد هایش می شکست. می گویند بن سلمان به اردوغان پیشنهاد رشوه ی ۵ میلیارد دلاری کرده است تا در پرونده خاشقجی سکوت کند ولی به نظر شما چه مقدار رشوه داده تا رسانه های دنیا در مقابل کشتار مردمان یمن خفه خون بگیرند؟! جنایاتی که برای خاشقجی اتفاق افتاد در مقابل جنایات وحشیانه ی عربستان در یمن بسیار ناچیز است. بعضی از این جنایاتی که در این متن نام برده شد گوشه ای از جنایات وحشیانه ی عربستان سعودی است.

حال که برای یک نفر دارند عربستان را محاکمه می کنند آیا زمان آن نرسیده است که صدای مردمان یمن را بشوند و عربستان را مجازات کنند؟!



دفاع از حقوق زنان کدام زنان؟!؟

| علی اصغر یوسفی |

| مهندسی مواد ۹۴ |

در همین ماهی که گذشت Amal Hossein دختر ۷ ساله یمنی پیش چشم جامعه جهانی در اثر قحطی و محاصره غذایی جان باخت تا ننگی دیگر دیگر باشد بر پیشانی جامعه تمدن زده ی امروز. همین عکسی که ما با اکراه چشمهپایمان را

به رویش باز می کنیم. حق هم داریم این تصاویر روح لطیف

در همین ماهی که گذشت Amal Hossein دختر ۷ ساله یمنی پیش چشم جامعه جهانی در اثر قحطی و محاصره غذایی جان باخت تا ننگی دیگر دیگر باشد بر پیشانی جامعه تمدن زده ی امروز. همین عکسی که ما با اکراه چشمهپایمان را به رویش باز می کنیم. حق هم داریم این تصاویر روح لطیف

ما را می آزارد. اما گاهی اوقات باید چشم ها را را باز کرد و دید. باید دید مرثیه کودک یمنی را که جان به لب در آغوش مادر آرمیده. کودک که نه تکه استخوانی که مادر از فرط استیصال چاره ای جز چسباندن او به سینه خود ندارد. باید دید کودکانی را که در اتوبوس مدرسه بمب های آمریکایی و موشک های سعودی را مشق شب می کنند. باید دید مادرانی را که جستجو می کنند فرزندان خود را در میان خرابه های جایی که قبلا به آن خانه می گفتند. مادرانی که فرزندان خود را در کنار هم در قبر می خوابانند. کودکانی که با لالایی مرگ سعودی ها برای همیشه به خواب می روند.

راههای زمینی به روی یمن بسته است. و همچنین این کشور

منطقه پرواز ممنوع است. یعنی نه از راه زمین و نه از راه آسمان نمی توان به داد این این مردم رسید. مردمی که چند سال است در محاصره غذایی هستند. سعودی ها محموله های غذایی ارسالی را مورد هدف موشک های خود قرار می دهند. آل سعود لطف خود به مردم یمن را در همین حد هم متوقف نکرده و به جای غذا، بمب ها و موشک های آمریکایی و بریتانیایی خود را میهمان سفره های مردم یمن می کند. و در همین حین که می نویسم و حدود نیم ساعت شده است ۳ کودک یمنی دیگر در اثر قحطی و بیماری از دنیا رفتند. (به گزارش یونیسف در هر ۱۰ دقیقه یک کودک یمنی بر اثر قحطی و بیماری از دنیا می رود)

و دوباره بهت و حیرت مرا فرا می گیرد که وقتی از حقوق بشر و دفاع از حقوق زنان و کودکان صحبت می کنیم، دقیقا از چه چیزی حرف می زنیم؟! و چگونه

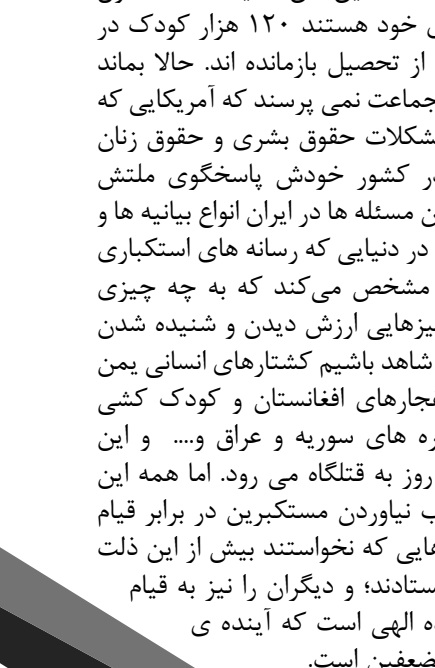
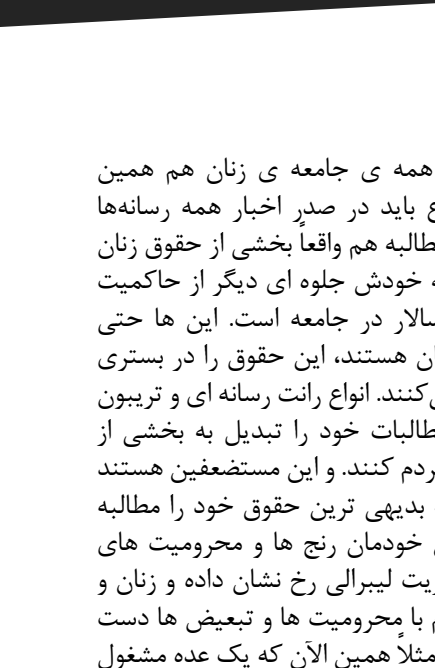
و دوباره بهت و حیرت مرا فرا می گیرد که وقتی از حقوق بشر و دفاع از حقوق زنان و کودکان صحبت می کنیم، دقیقا از چه چیزی حرف می زنیم؟!

انسانیت در وجود بعضی به محاق رفته است که نه تنها دم بر نمی آورند که حتی آنچه را که می گذرد را حقیقتان هم میدانند... و البته که چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است!!! و اصلا چرا ما باید برای زنان و کودکان کشوری دیگر نگران باشیم وقتی در کشور خودمان زنان حتی نمی توانند وارد ورزشگاه ها شوند!!! جماعتی که تا بحال از کوچه های محله های شمال شهر خود خارج نشده و فقط خودش و اطرافیانش را می بیند و توهم ما بی شماریم دارد. فکر می کند اگر من دغدغه حضور بانوان در ورزشگاه ها را

دارم پس مطالبه ی همه ی جامعه ی زنان هم همین است پس این موضوع باید در صدر اخبار همه رسانه ها باشد. و کاش همین مطالبه هم واقعا بخشی از حقوق زنان باشد نه مطالبه ای که خودش جلوه ای دیگر از حاکمیت فضا و مناسبات مردسالار در جامعه است. این ها حتی وقتی دنبال حقوق زنان هستند، این حقوق را در بستری مردانه جست و جو می کنند. انواع رانت رسانه ای و تریبون ها را هم دارند که مطالبات خود را تبدیل به بخشی از درگیری های ذهنی مردم کنند. و این مستضعفین هستند که تریبونی ندارند که بدیهی ترین حقوق خود را مطالبه کنند. در همین ایران خودمان رنج ها و محرومیت های حاصل از سال ها مدیریت لیبرالی رخ نشان داده و زنان و کودکان این مرز و بوم با محرومیت ها و تبعیض ها دست مطالبات شمال شهری خود هستند ۱۲۰ هزار کودک در

سیستان و بلوچستان از تحصیل بازمانده اند. حالا بماند که چرا هیچوقت این جماعت نمی پرسند که آمریکایی که باید بابت انبوهی از مشکلات حقوق بشری و حقوق زنان (اگر حقوقی باشد) در کشور خودش پاسخگوی ملتش باشد برای کوچک ترین مسئله ها در ایران انواع بیانیه ها و ابراز نگرانی ها را دارد. در دنیایی که رسانه های استکباری و اشرافی برای مردم مشخص می کند که به چه چیزی باید فکر کرد و چه چیزهایی ارزش دیدن و شنیده شدن ندارند باید هم هر روز شاهد کشتارهای انسانی یمن و فجایع میانمار و انفجارهای افغانستان و کودک کشی ها در فلسطین و آواره های سوریه و عراق و... و این انسانیت است که هر روز به قتلگاه می رود. اما همه این کشتارها نتیجه ی تاب نیاوردن مستکبرین در برابر قیام انسان هاست. انسان هایی که نخواستند بیش از این ذلت ها را بپذیرند. خود ایستادند؛ و دیگران را نیز به قیام فراخواندند و این وعده الهی است که آینده ی دنیا از آن همین مستضعفین است.

به امید ظهور عدالت گستر گیتی





در انتهای نشریه ، در ابتدای مسیر

دومین شماره نشریه داد هم به انتها رسید اما بی شک انتهای ارتباط ما و شما نخواهد بود. هیئت تحریریه و دست اندرکاران نشریه داد برای بهتر منعکس کردن دغدغه‌ها و مسائل شما به دنبال ارتباط بیشتر و مداوم با مخاطبین نشریه است. در همین راستا اقدام به راه اندازی یک کانال در تلگرام کردیم ارتباط ما و شما در این کانال به سه طریق صورت می گیرد.

@dad_Magazine

۱. هر چه می خواهید دل تنگت بگو!

انتقادات و پیشنهادات خود را از طریق آیدی موجود در کانال به ما اطلاع دهید. قطعاً نقطه نظرات شما در راستای بهبود عملکرد نشریه موثر بوده و از آن‌ها استفاده خواهیم برد.

۲. خبرنگار باش!

دیدن شدن مشکل و شناخت یک معضل اولین قدم برای رفع آن است. در همین راستا سوژه‌های دانشگاهی، شهری یا کشوری خود را برای ما ارسال کرده تا در کانال منتشر کنیم. در نظر داشته باشید که سوژه‌های دانشگاهی دارای اولویت است! خوب است که هر جا مشکل یا معضلی را دیدید برای #راه_حل آن نیز پیشنهادی هر چند ساده بدهید. انتقاد کردن به تنهایی کار ساده‌ای است. بیان مشکلات وقتی همراه با فکر کردن برای راه حل مشکل

باشد تاثیری دوچندان دارد. اگر با مشکل یا ایرادی در هر جای دانشگاه برخورد کردید، می‌توانید با هشتگ #گیر_و_گور آن را با ما به اشتراک بگذارید!

۳. تحلیل گر باش!

متن‌ها و تحلیل‌های خود را در رابطه با مسائل روز دانشگاهی، شهری، کشوری یا حتی بین‌المللی را برای ما بفرستید. نظرات شما با هشتگ #تحلیل_دانشجویی در کانال منتشر خواهد شد. در کنار ما، حرف‌ها و تحلیل‌های شما بیشتر و بهتر شنیده می‌شود. اگر تحلیل‌ها و متن‌های شما از پختگی و محتوای مناسب برخوردار باشد، قابلیت چاپ در شماره بعدی نشریه را نیز دارا است.

نشریه داد در ابتدای راه است و کمک‌ها و حمایت‌های شماست که ما را به ادامه این مسیر دلگرم می‌کند. مطالبه‌گری و عدالت خواهی عرصه‌ای است که بدون حضور مردم و توده‌ها فاقد اثرگذاری خواهد بود. از این رو ما مشتاق حضور و فعالیت دانشجویان در کنار خودمان هستیم. بعد از پایان هر شماره این ابتدای کار ما برای مطالبه‌گری مطالب بیان شده در نشریه از مسئولین دانشگاهی و شهری و... یا حتی از خودمان است. از این رو دوستانی که تمایل دارند در این زمینه‌ها با ما همکاری داشته باشند می‌توانند به آیدی موجود در کانال یا شماره تلفن ۰۹۳۳۹۴۹۳۹۷۳ پیام بدهند.

ماهنامه فرهنگی، صنفی، اجتماعی و سیاسی داد
دانشگاه فردوسی مشهد
سال اول، شماره اول، تیرماه ۱۳۹۷

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر:

علی اصغر یوسفی

شماره مجوز: ۹۶۳۵۳۷

هیئت تحریریه:

مصطفی غلامی، علی اصغر یوسفی، حسین مرتضوی، مرتضی دلیری، صادق طلوعی، سجاد پاسبان، امیر هاشمی نژاد، علی صنمیری، هاشم عامری، احمد قربانی پور

طراحان: احمد قربانی پور، هاشم عامری،

علی صالحی نیا

۰۹۳۳۹۴۹۳۹۷۳

ارتباط با ما:

آرشیو بروز نشریات دان

اطلاعات کامل در خصوص کمیته ناظر بر نشریات

اسناد و آئین نامه ها • دستورالعمل نشریات دانشگاهی

لیست نشریات فعال

sanad.um.ac.ir

نحوه ثبت آرشیو نشریه

نحوه شرکت در جشنواره نشریات

نحوه دریافت حمایت مالی

آرشیو کامل نشریات دانشجویی

اخبار و اعلان های خانه نشریات

شجویی دانشگاه فردوسی مشهد